یادداشت روز

فساد آمریکا از این سیستماتیک‌تر؟!

پنج هفته‌ای می‌شـــود که دولت ترامپ، به دلیل اختلاف کاخ ســـفید و نمایندگان دموکرات بر سر تامین بودجه ساخت دیوار مکزیک، تعطیل است. این میزان تعطیلی دولت فدرال در آمریکا، بی‌سابقه است. نه ترامپ و نه بزرگان دموکرات، تا لحظه تنظیم این یادداشت، از خواسته‌های خود کوتاه نیامده‌اند و چیزی حدود ۸۰۰ هزار کارمند دولتی ۳۴ روز است که، در مرخصی اجباری بدون حقوق به سر می‌برند. حدود ۵ روز پیش سی‌ان‌ان گزارشی منتشر کرد که نشان می‌داد، بسیاری از کارمندان بیکار شده دولت آمریکا، برای دریافت غذا و نوشیدنی، در صف‌های طولانی ایستاده‌اند! سی‌ان‌ان چند روز بعد گزارش دیگری منتشر و اعلام کرد که: «بسیاری از این کارمندان، به دنبال استعفا هستند تا شغل دیگری برای خود بیابند... آنهایی هم که کارد به استخوانشان رسیده، به فکر خودکشی افتاده‌اند.»(!)

به تصاویر کارمندانی که در صف دریافت غذا ایستاده‌اند، دقت کردم. ظاهر و پوشش افرادی که در صف غذا ایستاده‌اند، مرتب است، آنها هیچ شباهتی به افراد فقیر و کارتن‌خواب ندارند. لباس‌های مرتب، ظاهر آراسته و...

چطور می‌شـــود، در بزرگ‌ترین اقتصاد دنیا، کارمندی که خانه، ماشین و زندگی خوبی دارد، در عرض یک ماه فقیر می‌شود؟ آیا آنها چیزی به نام پس‌انداز ندارند؟ یا نه، پای برخی مسائل فرهنگی در میان است؟ در ایران خودمان آیا اگر کارگر یا کارمندی یک ماه حقوق نگیرد، به این وضع می‌افتد؟ در ایران با این همه فشار و تحریم و بیکاری و بی‌تدبیری، اگر کارگر یا کارمندی یک ماه حقوق نگیرد، آیا به دریافت کمک‌های غذایی محتاج می‌شـــود و ۳۵ روزه به فکر خودکشی می‌افتد؟

برای یافتن پاسخ این سؤال‌های جالب و مهم، تحقیق مختصر و کوتاهی انجام دادیم و مثلا با تنی چند از دانشجویان ایرانی ساکن آمریکا ارتباط گرفتیم، یا در اینترنت و رسانه‌های غربی جست و جو کردیم، حتی نظر برخی کارشناسان ارشد اقتصادی را هم جویا شدیم. نتیجه این تحقیقات بسیار جالب بود... بخوانید:

۱- عده‌ای مسائل فرهنگی را پیش کشیدند. مثلا گفتند: «شاید» فرهنگ دریافتِ غذای کمکی در آمریکا طوری است که مردم از ایستادن در صف غذا احساس شرم نمی‌کنند. برخی نیز اعلام کردند، دولت آمریکا، مراکزی را آماده کرده که در چنین شرایطی به مردم غذای کمکی می‌رسانند و کارمندان نیز از وجود این مراکز آگاهند و خیلی راحت از این امتیاز استفاده می‌کنند. لذا حس تحقیر و شـــرمندگی هم ندارند. اما این پاسخ دقیق نیست، چون هنوز به این سؤال که «چرا با یک ماه حقوق نگرفتن، تحت شرایطی قرار گرفته که به کمک غذایی نیاز پیدا کرده» پاســـخ داده نشده است. آنها چه احساس شرم داشته باشند چه نداشته باشند، به این غذای کمکی نیاز پیدا کرده‌اند. ضمن اینکه، طبق گزارش‌های رسانه‌های معتبر آمریکا، تعطیلی دولت و نبود بودجه، به همین مراکز خاص تهیه غذا نیز به شدت لطمه زده است. و اینکه، برخی کلیساها و مراکز خیریه که ارتباطی با دولت ندارند وارد میدان شده و برای نجات کارمندان گرسنه به صف شده‌اند.

۲- از آنجایی که در این وجیزه، دو مورد «کارمند ایرانی با کارمند آمریکایی» را مقایســـه کرده‌ایم (چرا در آمریکا کارمند با یک ماه حقوق نگرفتن به خاک سیاه می‌نشیند اما در ایران نه؟) اشاره‌ای به وضعیت در ایران بد نیست. در ایران مسائل فرهنگی وجود دارد که باعث می‌شود، کسی که ناگهان بیکار می‌شود، بیشتر دوام بیاورد. مثلا همه شنیده‌ایم که در برخی از کشورهای غربی(مثل همین آمریکا) وقتی فرزندان به سن قانونی می‌رسند، کاملا مستقل می‌شوند و پدر و مادر، مثل ســـابق، دیگر از آنها حمایت نمی‌کند. اما در ایران، حمایت خانواده از فرزند، سن و سال نمی‌شناسد. چه بسیار افرادی بزرگسالی که به هر دلیلی دچار مشکلات جدی شده‌اند و پدر و مادر تا آنجا که توانسته‌اند، آنها را مثل دوران کودکی، زیر پر و بال خود گرفته‌اند.

۳- «پس‌انداز» نیز، موضوع مهم دیگری اســـت که داشتن یا نداشتن آن در چنین شـــرایطی، به قربانی کمک می‌کند. قطعا اگر آن کارمند آمریکایی که بیکار شده، پس‌انداز داشت، چند ماهی دوام می‌آورد و مجبور به ایستادن در صف غذای موسسات خیریه و کلیسا یا حتی «خودکشی»، نمی‌شد. طبق گزارش ســـایت **market watch** (۲۳ دسامبر ۲۰۱۵) ۶۰ درصد مردم آمریکا کمتر از هزار دلار پس‌انداز دارند.(درآمد ماهیانه یک کارمند یا کارگر معمولی در آمریکا به طور میانگین چیزی بین ۳۰۰۰ تا ۳۵۰۰ دلار گفته شده است. البته بسته به ایالت نیز این رقم متفاوت می‌شود).۲۱ درصد مردم این کشور هم اصلا پس‌اندازی ندارند. علت نداشتن پس‌انداز این عده نیز قابل توجه است: «زندگی با وام» شـــاید بیش از هر کشوری، در آمریکا جریان دارد. در این کشور وقتی فرد صاحب شغل می‌شود، چه بسا از سوی آن موسسه یا شرکتی که استخدام شـــده، صاحب خانه و خودرو هم می‌شود آن هم با اقساط طولانی و پرداخت نقدی حداقلی؛ بنابر این طبیعی است که، بخش قابل توجهی از درآمد ماهیانه این فرد برای مدت طولانی و شاید تا آخر عمر صرف پرداخت اقساط شود. گفته می‌شود آمریکایی‌ها، آدم‌های ولخرجی هستند.(شاید به دلیل اعتمادی که به ثبات اقتصادی کشورشان دارند! شاید هم بنا به دلایل فرهنگی) لذا چیزی برای پس‌انداز باقی نمی‌ماند. در چنین شرایطی، کافی است ۳۰ روز بیکار بمانند.

۴- یکی از دانشجویان ایرانی ساکن آمریکا می‌گفت، اینجا سیستم طوری چیده شده که اگر کار نکنی، کلاهت پس معرکه است! اما اگر کار کنی، زندگی آرامی خواهی داشت. در چنین سیستمی، طبیعی است که فرد، به طور جدی و سخت کار کند. باز طبیعی است که نتیجه سخت‌کوشی می‌شود، بهبود شرایط اقتصادی آن کارمند و آن شرکت و در نهایت آن کشور. جمع‌بندی چند پاراگراف بالا این می‌شود که، اگر کار کنی، وضعیت خوب است، وگرنه، کلاهت پس معرکه است. پس سیستمی که در این گونه کشورها چیده شده و کمک شایانی هم به رشد اقتصادی آن کشور می‌کند، مسئله‌ای است که، برای یافتن پاسخ سؤال ابتدای یادداشـــتمان، به آن باید توجه داشت. اما درباره این «سیستم» نکته دیگری وجود دارد که اشاره به آن خالی از لطف نیست.

۵- کتاب «سقلمه» نوشته دکتر ریچارد تیلر راجع به اقتصاد رفتاری است. این کتاب در سال ۲۰۱۷ توانست جایزه نوبل اقتصادی را بگیرد. در بخشی از این کتاب به ترفندهایی سیستمی اشاره شده که در بسیاری از این موسسات و شرکت‌ها به کارفرما، این توانایی را می‌دهد تا با سوءاستفاده از برخی ویژگی‌های شخصیتی افراد، بدون آنکه متوجه شود، از آنها کلاه‌برداری کند. شاید با کمی اغماض، بشـــود نام آن را به نوعی، فساد سیستماتیک! گذاشت. دقیق شدن به این بخش از کتاب شاید بتواند، لااقل به تکمیل پاسخ سؤالمان و فهم بهتر موضوع کمک کند.

در این کتاب می‌خوانیم، برخی موسسات چندملیتی در آمریکا هستند که، با بهره‌برداری از حس تنبلی و کم‌توجهی آدم‌ها، در پوشش حتی قانون، اقدام به سوءاستفاده از مردم می‌کنند. این ترفندها به قدری با ظرافت صورت می‌گیرند که، اگر فرد بعد از مدتی حتی متوجه موضوع بشود هم، به احتمال خیلی زیاد، شکایت نمی‌کند، چون، هیچ‌گاه فرصت آن را پیدا نخواهد کرد!

کتاب پس از توضیح یک مسئله روانشناختی درباره آدم‌ها و اینکه آدمی به طور غریزی به سمت «حفظ وضعیت موجود» و «تنبلی» سوگیری می‌کند می‌نویسد: «افراد (موسسات و شرکت‌ها) از سوگیری وضعیت موجود، به راحتی سوءاستفاده می‌کنند. چند سال پیش، امریکن اکسپرس نامه خوشایندی به سانستین(اسم شخص) نوشت و به او گفت که می‌تواند به صورت رایگان، اشتراک سه ماه پنج مجله را به انتخاب خود دریافت کند. اشتراک رایگان مجلات مثل تخفیف به نظر می‌رسد، حتی اگر این مجلات به ندرت خوانده شوند؛ بنابراین سانستین با خوشحالی مجلات را انتخاب کرد. او متوجه نشد که پس از پایان سه ماه اشتراک رایگان، اگر اقدامی برای لغو اشتراک نکند، همچنان مجلات را دریافت خواهد کرد،اما باید قیمت معمول آنها را بپردازد. حدود ۱۰ سال است که او همچنان مشترک مجانی است که به ندرت آنها را می‌خواند. او کماکان قصد دارد اشتراک خود را لغو کند، اما هیچ وقت فرصت این کار را پیدا نمی‌کند.»

از فساد سیستماتیک، تعاریف متعددی شده است. برداشت من از چکیده و خلاصه تعاریف مختلف از این نوع فســـاد، این است که، برخی سازمان‌ها و موسسات با آگاهی یا حتی همراهی و کمک حاکمیت، سیستم را طوری می‌چینند که فساد با ظاهری حتی قانونی، انجام شود. به عنوان مثال، قوانینی در سوئیس و آمریکا وجود دارد که، به برخی ثروتمندان، اجازه می‌دهد بخشی از درآمد خود را شفاف نکنند، تا مالیات کمتری بپردازد.(به این نکته توجه داشته باشید که، عدم پرداخت مالیات در این کشورها، جرم بسیار بزرگی است. آن‌قدر بزرگ که ژاپن، کارلوس گوسن، رئیس همزمان نیسان و رنو را که قهرمان ملی این کشور است، به دلیل تخلف کوچک مالیاتی برکنار و محاکمه کرد) آنچه در موسسه چندملیتی امریکن اکسپرس رخ می‌دهد را کنار تعریف نصفه و نیمه‌مان از فساد سیستماتیک و وضعیت کارمندان آمریکایی بگذارید. همچنین اعتراض‌هایی که هر از چند گاهی در کشورهایی مثل آمریکا و انگلیس در اعتراض به معافیت‌های قانونی برخی ثروتمندان از پرداخت مالیات برگزار می‌شود. قانون به برخی اجازه داده، به دلیل ثروتمند بودن، مالیات کمتری بدهند. مردم آمریکا در چنین فضا و سیســـتمی کار و زندگی می‌کنند! زندگی در چنین سیستم‌های پیچیده‌ای که، ثروتمند را ثروتمندتر و فقیر را فقیرتر می‌کند، با تلنگری مثل، تعطیلی یک‌ماهه دولت، قطعا کارمندانِ حقوق‌بگیر بدهکار را به چنین روزی می‌اندازد.

فساد از این سیستماتیک‌تر که ۹۰ درصد کل ثروت آمریکا در دستان یک دهم درصد این کشور است (سناتور برنی سندرز ۲۲ دی ماه ۹۷) و ۵۰ درصد ثروت کل کره زمین، در دستان ۲۶ نفر؟! (آکسفام)

جعفر بلوری

نامه ۸ وزیر برای تصویب پالرمو و FATF

دولت به‌جای نامه‌نگاری

پاسخ بدهد چه تضمینی هست که غرب عهدشکنی نکند؟!

سرویس سیاسی-

هشـــت وزیر دولت روحانی در نامـــه‌ای به محضر رهبر معظم انقلاب، خواستار تسریع رسیدگی و تصویب دو لایحه پالرمو و CFT (از لوایح مرتبط بـــا FATF) در مجمع تشـــخیص مصلحت نظام شدند. دولتمردان و حامیان FATF به جای ایـــن نامه‌نگاری‌ها باید پاسخی شفاف به این سؤال بدهند و آن اینکه، چه تضمینی هست که طرف مقابل محدودیت‌ها را بردارد و دوباره عهدشکنی نکند؟!

در روزهای گذشـــته هشت وزیر دولـــت روحانی در نامـــه‌ای به محضر رهبر معظم انقلاب، خواســـتار تسریع رسیدگی و تصویب دو لایحه پالرمو و CFT (از لوایح مرتبط با FATF) در مجمع تشخیص مصلحت نظام شدند.

در همین رابطه در روزهای گذشته محمد شریعتمداری، وزیر کار با بیان اینکه خود، جـــزو امضاءکنندگان نامه تقدیمی به محضر رهبر معظم انقلاب نیست، گفته بود: «مفاد این نامه تقاضا از ایشان برای تسریع در رسیدگی لوایح مرتبط با FATF در مجمع تشخیص مصلحت نظام است».

گفته شـــده که ظریـــف، زنگنه، حجتی، رحمانی، اردکانیان و دژپسند (وزرای خارجه، نفت، جهاد کشاورزی، صنعـــت و تجارت، نیرو و اقتصاد) نامه مذکور را امضـــا کرده‌اند؛ هر چند که تهیـــه و تدارک نامه توســـط ظریف و زنگنه و روحانی انجام شده و بقیه وزرا امضاکننده بوده‌اند.

دیروز(چهارشنبه) محمود واعظی، رئیس‌دفتـــر رئیس‌جمهـــور در جمع خبرنگاران بااشاره به این موضوع گفت: «نامه‌ای که دو هفته قبل فرستاده شد در شورای عالی پولشویی نوشته شده است.در این شورا ۸ نفر از اعضای کابینه عضو هستند و مسائلی که ممکن است در آینـــده در اثر عـــدم تصویب لوایح چهارگانه به وجود آید و محدودیت‌هایی که در این زمینه ایجاد می‌شـــود مورد بررسی قرار می‌گیرد».

واعظی در ادامه گفت: «رهبری هم محبت فرمودند و پاسخ نامه را دادند که تا اینجا یک روال عادی انجام شده است. رهبری هم در پاسخ خود رهنمودهای بسیار خوبی فرمودند و به همین دلیل هم این نامه نوشته شد».

لازم به ذکر اســـت که ریاســـت شورای‌عالی پولشـــویی بر عهده وزیر اقتصاد اســـت و وزرای امـــور خارجه، صنعـــت معدن و تجـــارت، اطلاعات، کشور و دادگســـتری از دولت در این شورا عضو هستند.

در روزهای گذشته همچنین هیئت وزیران تأیید نهایـــی لایحه الحاق به کنوانسیون «پالرمو» (از لوایح مرتبط با FATF) را ضروری دانست و تاکید کرد که تایید این لایحه برای مقابله با تحریم‌ها ضروری است.

درخصوص نامه مذکور و همچنین تاکید هیئـــت دولت مبنی بر ضرورت تایید نهایـــی لوایح مرتبط با FATF، چند نکته قابل ذکر است.

فرار از پذیرش مسئولیت!

متاسفانه حامیان FATF تاکنون بارها با طرح مباحثی همچون «رهبر انقلاب در موضوع FATF اختیار را به مجلس و دولت دادند» و «مقام معظم رهبری با FATF موافق هســـتند» و موارد مشـــابه دیگر با مغلطه به دنبال همســـازی تصویب لوایح خسارت بار مرتبط با FATF و فرار از پذیرش مسئولیت آن بوده‌اند و این نامه را نیز می‌توان در ادامه این پروژه تأمل برانگیز تعریف کرد.

این رویه تأمل برانگیز و نادرست در حالی اســـت که نســـبت مدیریتی ولی‌فقیه با دستگاه‌های حاکمیتی- که همه، مشـــروعیت خـــود را از ولایت دارند- یک مدیریت کلان ارزشی است. به این معنی که هر مســـئول و نهاد و دستگاهی در نظام جمهوری اسلامی شرعا و قانونا موظف است سیاست‌های کلی ترســـیم شده از سوی ولی‌فقیه را در جهت‌گیـــری، رفتار، موضع‌گیری و تصمیم‌گیری خود لحاظ کند.

در ماجـــرای FATF متاســـفانه در رعایت مبانی و سیاســـت‌های کلی انقلاب اسلامی کوتاهی صورت گرفته بود که رهبر حکیم انقلاب در دیدار ۳۰ خرداد ۹۷ با رئیس، نمایندگان و جمعی از کارکنان مجلس شورای اسلامی به آن‌اشـــاره کرده و پیرامون نوع مواجهه مجلس با کنوانســـیون‌های بین‌المللی فرمودند: «ایـــن معاهـــدات ابتـــدا در اتاق‌های فکر قدرت‌های بزرگ و برای تأمیـــن منافع و مصالح آنها پخت و پز می‌شود و سپس با پیوستن دولت‌های همسو یا دنباله‌رو یا مرعوب، شکلِ به ظاهر بین‌المللی می‌گیرد به‌گونه‌ایِ که اگر کشور مستقلی مانند ایران، آنها را قبول نکند او را مورد هجوم شدید قرار می‌دهند که مثلاً ۱۵۰ کشور پذیرفته‌اند شما چطور آن را رد می‌کنید؟».

رهبـــر معظم انقلاب همچنین در تبییـــن راه صحیح برخورد با این گونه کنوانســـیون‌ها افزودند: «همان گونـــه که دربـــاره «برخی کنوانســـیون‌های بین‌المللیِ اخیراً مطرح شده در مجلس» گفتیم، مجلس شـــورای اســـلامی که رشید و بالغ و عاقل است، باید مستقلاً در موضوعاتی مثل مبارزه با تروریسم یا مبارزه با پولشویی قانونگذاری کند». ایشان افزودند: «البته ممکن است برخی مفاد معاهدات بین‌المللی خوب باشد اما هیچ ضرورتی ندارد با استناد به این مفاد به کنوانسیون‌هایی بپیوندیم که از عمق اهداف آنها آگاه نیستیم یا می‌دانیم که مشکلاتی دارند».

گفتنی اســـت برخی نمایندگان اصلاح‌طلب مجلـــس در ماه‌های اخیر برای تحمیل خواســـته زیان‌بار خود و بســـتن دهان منتقدان به دروغ ادعای موافقت دفتر رهبری با لوایح مرتبط با FATF را مطرح کردند.

لازم به ذکر اســـت کـــه رویکرد مدعیان اصلاحات و برخی دولتمردان در موضـــوع لوایح مرتبـــط با FATF دقیقا مشـــابه رویکرد ایـــن طیف در موضوع برجام است. یکی از پرتکرارترین دروغ‌هـــای مدعیـــان اصلاحـــات در پسابرجام این بوده است که برجام زیر نظر رهبری امضا و اجرا شد! این دروغ پرتکرار با ۲ هدف عمده صورت گرفت. اول شـــانه خالی کردن از مســـئولیت خســـارت محض برجام و دوم بستن دهان منتقدان.

چه تضمینی هست؟!

دولتمردان و حامیان FATF باید پاســـخی شـــفاف به این سؤال بدهند و آن اینکه، چه تضمینی هســـت که طرف مقابـــل محدودیت‌ها را بردارد و دوباره عهدشکنی نکند؟!

محمـــد جواد ظریـــف، وزیر امور خارجه- ۱۵ مهر ۹۷- در جلسه علنی مجلس با موضوع بررسی الحاق ایران به کنوانســـیون مقابله بـــا تامین مالی تروریسم «CFT» گفته بود: «نه بنده و نـــه آقای رئیس‌جمهـــور نمی‌توانیم تضمین دهیم که با پیوستن به لایحه حمایت مالی از تروریسم مشکلاتمان حل خواهد شد. اما می‌توانیم تضمین بدهیم که با نپیوســـتن به این لایحه، آمریـــکا بهانـــه مهمی بـــرای افزایش مشکلات ما پیدا خواهد کرد».

متاســـفانه دولتمردان نه حاضرند تضمین بدهند کـــه با اجرای FATF مســـئله مبادلات بانکی ما حل خواهد شـــد و نه حاضرند تضمین بدهند که با اجرای FATF مشکلی برای کشور پیش نخواهد آمد، بلکه صرفاً می‌گویند اگر دســـتورات FATF اجرا نشـــود، مشکلات بیشتر خواهد شد! این رویکرد مصداق بارز مسئولیت‌گریزی است.

لازم به ذکر اســـت که در مهرماه ســـال جاری در حالی که هنوز جوهر امضای نماینـــدگان پای لایحه CFT خشک نشـــده بود، وزارت خزانه‌داری آمریـــکا در توصیه‌نامه خـــود ایران را به پولشـــویی و تأمین مالی تروریسم متهم کرد!

این اتفـــاق بار دیگـــر ثابت کرد همان‌طور که منتقدان نیز پیش از این به درستی اشاره کرده بودند، پیوستن به سازمان‌های مافیایی از جمله FATF و اجرای دستورات آن هیچ‌گاه بهانه را از آمریکا نخواهد گرفت.

حامیان FATF مدعی هستند که با پذیرش دســـتورات این سازمان، از لیست سیاه خارج شده و زمینه مبادلات بانکی فراهم می‌شود.

این ادعا در حالی مطرح می‌شود که ایران بـــا اجرای کامل برنامه اقدام FATF، از لیست سیاه خارج نخواهد شـــد زیرا در بیانیه‌هـــای FATF ابدا گفته نشـــده که ایران بعـــد از اجرای کامل برنامه اقدام از لیســـت ســـیاه خارج می‌شـــود بلکه گفته شده برای بررسی وضعیت، پرونده ایران به مجمع عمومی ارجاع می‌شـــود و تازه بحث Next Step یا همان قدم بعدی مطرح می‌شود. از سوی دیگر، خروج ایران از حالت اقدام متقابل یا همان لیســـت ســـیاه، نیاز به اجمـــاع اعضای مجمع عمومی دارد. با توجه به عضویت آمریکا در مجمع و عضویت رژیم صهیونیستی و عربستان از مجمع آتی، عملا خروج ایران از لیست سیاه نیاز به رای مثبت همزمان این ســـه دارد که احتمال آن به صفر میل می‌کند.

به عبارت دیگر، با توجه به سازوکار اجماعـــی تصمیم‌گیـــری در FATF و عضویـــت آمریکا، عربســـتان و رژیم صهیونیستی (به عنوان ناظر) برخورد با ایران سیاسی بوده و امکان خروج از لیست سیاه نیست.

بقیه در صفحه ۱۱

خبر ویژه

شگرد راه بینداز و جا بینداز برای تکرار خسارت محض

برخی مدیران دولتی با بی‌صداقتی، شـــگرد دوگانه‌ای را نســـبت به بررسی دو لایحه از ملحقات FATF در «مجمع» و نظر رهبری در این‌باره در پیش گرفته‌اند.

این طیف از یک ســـو پس از آن که متوجه شـــدند احتمالا لوایح مربوط به الحاق کنوانسیون پالرمو و CFT در مجمع تشخیص مصلحت نظام رأی نمی‌آورد، با نامه‌نگاری سعی کردند نظر مساعد رهبر انقلاب را برای دستور تسریع در تصویب لوایح مذکور جلب کنند.

اما به اعتبار اینکه ابهامات جدی درباره نتیجه واگذاری امتیازات جدید وجود دارد و تجربه تلخ و پرخسارت برجام، عبرتی در این باره است، نتوانستند اعتماد و نظر مســـاعد رهبر انقلاب را جلب کنند یا به پرسش‌های طرح‌شده از سوی ایشان درباره تضمین عدم تکرار بدعهدی غربی‌ها پاسخ روشن بدهند.

با این صورت‌بندی از واقعیت‌ها، طیفی که در برجام نیز صادقانه با مردم و نظام روبرو نشـــدند، دست به فضاسازی زدند. از یک سو نامه ظاهرا محرمانه هشت وزیر به محضر رهبری با مضمون «درخواست برای دستور تسریع و تصویب در مجمع» را از طریق رسانه‌های وابسته علنی کردند؛ با این توهم که فشار بر مجمع را تشدید کنند - و به زعم باطل خود- فضا را طوری ترتیب دهند که نظام را در صورت عدم تصویب لوایح پر ایراد مذکور، مقصر عدم حل مشـــکلات اقتصادی وانمود کنند! و این در حالی بود که برخی از همین مدیران با قصور و تقصیر و سوءمدیریت، مسبب اصلی برخی کاستی‌های اقتصادی هستند.

بدتـــر از همه اظهارات خلاف واقع یکـــی از وزرا بود که تیتر اول روزنامه ایران هم شـــد. او کارنامه پرخســـارتی در وزارت صنعت و تجارت و رانت‌های پدید آمده برجای‌گذاشت و در معرض استیضاح بود اما به وزارت کار و رفاه منتقل شد. محمد شریعتمداری پریروز در اظهاراتی خلاف واقع گفت: «فکر می‌کنم دو یا سه اظهارنظر مکتوب رهبر معظم انقلاب ذیل نظر شورای هماهنگی سران سه قوه، هم منفردا در مورد هر کدام از این لوایح به صورت جداگانه و هم مجتمعا اخذ شده است؛ یعنی کاملا پیداست که متناسب با روند طبیعی قانونی کار، رهبر معظم انقلاب با تحقق این شرایط موافقت فرموده‌اند»(!)

برخلاف این ادعا، رویه رهبر انقلاب این است که در جزئیات رسیدگی دخالت نمی‌کنند و به رسیدگی در مجاری و روال قانونی اصرار دارند؛ همچنان که در موضوع برجام نیز تصریح کردند. اما با این همه، جریان فاقد صداقت، هم به دروغ ادعا کردند رهبری مؤید و موافق متن تنظیم‌شده برجام است تا نمایندگان مجلس را منفعل کنند و هم، پس از برملا شدن خسارت‌های قابل پیش‌بینی اعتماد به غرب، از مسئولیت خود شانه خالی کردند و مدعی شدند برجام، مورد تأیید و امضای رهبری بوده است!

یادآور می‌شود رهبر معظم انقلاب ۳۰ خرداد امسال در دیدار نمایندگان مجلس و به عنوان یک اصل کلی تصریح کردند.

«همین جا من اشاره کنم به این مسائل کنوانسیون‌ها و این معاهدات بین‌المللی. ببینید؛ این معاهدات بین‌المللی که به آن در لغت فرنگی گفته می‌شود کنوانسیون، در اصل در یک نقطه‌ای پخت و پز می‌شود... یک جایی بالاخره چند قدرت بزرگ در مجموعه‌های هیئت‌های فکری‌شان - به قول خودشان اتاق فکرشان- می‌نشینند برای یک منافعی و مصالحی که برای خودشان تعریف کردند. یک چیزی را پخت‌وپز می‌کنند، بعد این را به وسیله دولت‌هایی که همسوی با آنها هستند یا مرعوب آنها هســـتند یا دنباله‌رو آنها هســـتند و خیلی منافعی هم در این کار ندارند، تصویب می‌کنند... حالا چه کار بکنیم؟ بعضی از این معاهدات بین‌المللی و کنوانســـیون‌ها مواد مفیدی دارند. خیلی خوب، اشکالی ندارد؛ بنده هم در مورد همین چیزهایی که اخیرا در مجلس مطرح شد در این چند ماه اخیر، گفتم مجلس مستقلا خودش قانون بگذراند. فرض کنیم [موضوع] مبارزه با تروریسم یا با پولشویی است؛ خیلی خب، مجلس شورای اسلامی یک مجلس رشید و عاقل و بالغی است و پشتوانه‌های کاری خیلی خوبی هم دارد؛ بنشینند یک قانون بگذرانند؛ این قانون، قانون مبارزه با پولشویی است، هیچ مشکلی هم ندارد. شرایط زیادی‌ای هم ندارد و همان کاری که خود شماها می‌خواهید بکنید، در این قانون مندرج است؛ این مهم است. هیچ لزومی ندارد که ما برویم چیزهایی را که نمی‌دانیم ته آن چیست و حتی می‌دانیم که مشکلاتی هم دارد، به خاطر آن جهات مثبت و جنبه‌های مثبت، قبول بکنیم.»

رهبر انقلاب همچنین دیروز به عنوان یک حکم کلی تأکید کردند: «هیچ‌گاه بـــه برنامه‌ها و توصیه‌های غربی‌ها اعتماد نکنید... همواره باید به توصیه غربی‌ها با سوءظن نگریسته شود».

در عین حال یک پرسش دقیق و حکیمانه نسبت به حامیان عجله در الحاق به FATF و اجرای مطالبات آن (از جمله الحاق به کنوانسیون مورد بحث) مطرح است که حاضر نیستند پاسخ بدهند: چه تضمینی می‌دهید که بعد از واگذاری امتیاز جدید و قبول تعهداتی تازه که بوی خودتحریمی می‌دهد، محدودیت‌ها و تحریم‌ها برداشته شود و قصه برجام تکرار نشود؟!

رهبر انقلاب اول فروردین ۹۵ درباره برجام و بدعهدی طرف غربی تصریح کردند «آمریکایی‌ها گفته‌اند که ما تحریم‌ها را برمی‌داریم و روی کاغذ هم برداشتند اما از طرف دیگر جوری عمل می‌کنند که اثر رفع تحریم‌ها مطلقا به وجود نیاید و تحقق پیدا نکند. بنابراین، کسانی که امید می‌بندند به اینکه بنشینیم با آمریکا در فلان مســـئله مذاکره کنیم و به یک نقطه توافقی برسیم- یعنی ما یک تعهدی بکنیم، طرف مقابل هم یک تعهدی بکند- از این غفلت می‌کنند که ما ناگزیر باید به همه تعهدهای خود عمل کنیم [اما] طرف مقابل با طرق مختلف، با شیوه‌های مختلف، با خدعه، با تقلب سر باز می‌زند و به تعهدهایی که کرده است عمل نمی‌کند. این چیزی است که ما امروز در مقابل چشم خودمان داریم می‌بینیم؛ یعنی خسارت محض».

«قبول کنیم اشتباه کردیم» واقعا، آقای روحانی؟!

رئیس‌جمهور روحانی می‌گوید باید قبول کنیم اشـــتباه کردیم که اعتقادی به قبول اشتباه ندارد.

آقای روحانی در دیدار وزیر و معاونان وزارت ارتباطات گفت باید قبول کنیم که درباره فیلترینگ اشتباه کردیم.

فارغ از موضوع مدنظر آقای روحانی، این اظهارنظر وی نشان می‌دهد که هرجا اشتباه کردیم باید بپذیریم اشتباه کردیم.

اما این گزاره با عملکرد دولت و شخص آقای روحانی در تناقض کامل است.

به عنوان مثال، اکنون برای عوام و خواص محرز شـــده که اعتماد یکطرفه به آمریکا و اروپا در قصه برجام، شـــتابزدگی و استقبال از توافقی نامتوازن، ناهمزمان، فاقد ضمانت، فاقد مکانیســـم شکایت و به شکل «نقد- نسیه»، اشتباهی راهبردی و چند لایه بوده که خروجی آن خسارت محض است. اما آقای روحانی همچنان، برجام را برای مردم فاکتور می‌کند.

از برجام روشن‌تر و انکارناپذیرتر، عملکرد و تصمیمات اقتصادی دولت در پنج سال گذشته به ویژه یک سال اخیر است؛ از جمله حراج ۱۸ میلیارد دلار از ذخایر ارزی کمیاب با قیمت ۴۲۰۰ تومان، کاهش ارزش پول ملی و قدرت خرید مردم، و رکود تورمی کم سابقه. اما دولت و شخص آقای روحانی، نه می‌پذیرند که مرتکب اشـــتباهات فاحش شـــده‌اند و نه حاضرند از مردم عذرخواهی کنند. حتی چندماه پیش آقای واعظی رئیس دفتر (سخنگوی روحانی) تصریح کرد روحانی دلیلی برای عذرخواهی نمی‌بیند. مشابه همین اشتباهات فاحش را می‌توان در عملکرد فرهنگی دولت به ویژه در عرصه فضای مجازی و آسیب‌های جدی به فرهنگ و اخلاق عمومی مشاهده کرد؛ خسارتی که از آن به عنوان افتخار یاد می‌کنند!

شورای آتلانتیک: مردم ایران از خیانت‌های اپوزیسیون منزجر هستند

یک اندیشکده آمریکایی تصریح کرد اپوزیسیون جمهوری اسلامی، مردم ایران را به بهای اندک فروخت.

اندیشکده شورای آتلانتیک در تحلیلی نوشت: جمهوری اسلامی ایران از نظر داشتن گروه‌های مخالف هیچ کمبودی ندارد که در خارج از ایران به سر می‌برند. از مجاهدین خلق (گروهک منافقین) گرفته تا جمهوریخواهان سکولار و تجزیه‌طلبان قومیتی همه مدعی معارضه و ســـرنگونی هســـتند. اما پس از ۴ دهه نتوانسته‌اند کاری بکنند.

یکـــی از این موانع مزمن در راه موفقیت گروه‌های معارض که می‌توان به آن اشاره کرد، گروهی از معارضان است که در سپتامبر (شهریور) ۲۰۱۸ «فرشگرد» را راه‌اندازی کرد و مدعی براندازی شد.

در دسامبر (دی‌ماه) ۲۰۱۶، برخی افراد که اکنون به عنوان اعضای اصلی این گروه به شـــمار می‌آیند، نامه‌ای بسیار بحث‌برانگیز به ترامپ فرستادند و خواستار «گسترش» تحریم‌های ایالات متحده علیه ایران شدند.

با روی کارآمدن دولت ترامپ و خروج وی از توافق هسته‌ای با ایران در ماه می (اردیبهشت) ۲۰۱۸ و از سرگیری تحریم‌های شدید اقتصادی علیه صنعت نفت و بخش بانکی ایران، این گروه از معارضان، مردم و طبقه متوســـط را به بهای اندکی فروختند.

به همین ترتیب، طبقه کارگر که گروه‌های تندرو و اپوزیسیون امیدهای بسیاری به آن بسته بودند، از تحریم‌های وضع شده لطمه بسیاری دیده‌اند.

صرف‌نظر از اینکه حرکت فرشـــگردها غیراخلاقی بود، تلاش‌های اپوزیسیون و امید آنها به اینکه گرســـنگی کشیدن ایرانیان سبب قیام آنها می‌شود، می‌تواند نتیجه معکوس بدهد.

کارگران کارخانه‌ها، رانندگان کامیون‌ها و معلمان مدرســـه ممکن است بدین ترتیب، خشمشـــان نسبت به دشـــمنان خارجی نیز افزایش یابد. نهایتا، معارضان جمهوری اسلامی که اخیرا در یک شبکه تحت حمایت مالی از عربستان حاضر شدند، شک و تردیدها در مورد اینکه آیا آنها به منافع عربستان به عنوان رقیب منطقه‌ای ایران اهمیت بیشـــتری می‌دهند تا منافع ایران، افزایش داده‌اند، آنها از رضا پهلوی حمایت می‌کنند.

گفت و شنود

مصوبه!

گفت: چرا دولت اینهمه برای تصویب کنوانسیون پالرمو و CFT اصرار دارد؟!

گفتم: چه عرض کنم؟!

گفت: خودشان با صراحت اعلام کرده‌اند که تصویب آن هیچیک از مشکلات موجود را حل نمی‌کند ولی با این وجود اصرار بر تصویب دارند!

گفتم: ای عوام! بعد از آن همه خســـارتی که با برجام به ملت تحمیل کرده‌اند هنوز هم از آن تعریف و تمجید می‌کنند!

گفت: برجام را که فتح‌الفتوح معرفی می‌کردند، فاجعه به بار آورد. وای به حال FATF و لایحه CFT که از همین حالا می‌گویند هیچ مشکلی را حل نمی‌کند!

گفتم: یارو می‌گفت؛ عجب دوران طلایی داشتیم! پرسیدند؛ کی؟ گفت؛ شـــما یادتون نمیاد! گفتند؛ خب شـــما خودتان بفرمایید. گفت؛ خودم هم یادم نمیاد!

نکته

نفرمودید پاسخ چه بود!

دیروز از سوی دولت اعلام شد که ۸ تن از وزیران با ارسال نامه‌ای به رهبر معظم انقلاب خواســـتار تسریع در تصویب کنوانسیون پالرمو و لایحه CFT در مجمع تشخیص مصلحت نظام شده‌اند. دولتمردانی که این خبر را در اختیار رسانه‌ها قرار داده‌اند، از پاسخ رهبر معظم انقلاب به این درخواست سخنی به میان نیاورده‌اند و این پرسش را بی‌پاسخ گذاشته‌اند که اگر حضرت آقا هنوز به نامه آنها پاســـخی نداده‌اند، چرا خبر ارســـال این نامه را رسانه‌ای کرده‌اند؟ و چنانچه رهبر معظم انقلاب به این نامه پاسخ داده‌اند، چرا در خبری که به رسانه‌ها داده‌اند به پاسخ حضرت ایشان اشاره‌ای نکرده‌اند؟! توضیح آنکه براســـاس روال جاری و تعریف شـــده اداری، اینگونه نامه‌ها دارای طبقه‌بندی محرمانه هســـتند و نباید خبر آن رسانه‌ای شود ولی آقایان نامه یاد شده را به یک نامه سرگشاده! تبدیل کرده‌اند که تعجب‌آور و غیرقابل توجیه و توضیح است. این اقدام دولت چرا صورت گرفته است و چه مقصود و منظوری را دنبال می‌کند؟! برای رمزگشایی از این ماجرا باید به نمونه مشابه آن یعنی ماجرای برجام اشاره کرد.

دولت در آغاز کار، برجام را فتح‌الفتوح! بزرگترین دستاورد تاریخ ایران! تسلیم قدرت‌های بزرگ جهانی در مقابل ملت! و... معرفـــی می‌کرد و مدعی بود که در اولین روز اجرای آن تمام تحریم‌های هسته‌ای و غیرهسته‌ای لغو می‌شود! و در همان حال ضمن تعریف و تمجیدهای اغراق‌آمیز از خود و تیم مذاکره‌کننده، منتقدان را به باد تهمت‌های ناروا گرفته و با طعنه خطاب به آنان می‌گفت «حالا از کجا صابون بیاوریم که رویتان را بشوئید»! و مثلا از خجالت بیرون بیایید! ولی بعد از آنکه همگان به وضوح دیدند برجام کلاه گشادی بوده است که آمریکا بر سر کشورمان گذاشته است و دستاوردی جز برباد دادن تاسیسات هسته‌ای و امکانات و ظرفیت‌های چند ساله کشور نداشته است، ادعا کردند که تمامی مذاکرات و مراحل آن تحت نظر رهبری صورت گرفته است و با سوءاستفاده از برخورد ملاطفت‌آمیز ایشان اصلا به روی مبارک خود نیاوردند که به کدامیک از شروط ۹گانه‌ای که رهبر معظم انقلاب اعلام کرده بود عمل کرده‌اند؟! و نگفتند به هیچیک!

امروز هم به نظر می‌رسد که نامه ۸ وزیر به رهبری با همان سمت و سو نوشته شده و همان رنگ و بوی برجام خسارت‌بار و فاجعه‌آمیز را دارد! آقایان از یک سو با صراحت اعلام می‌کنند که تصویب FATF، کنوانسیون پالرمو و لایحه CFT هیچیک از مشکلات موجود را حل نمی‌کند! بنابراین سؤال این است که با وجود چنین نظر صریحی درباره این لوایح چه اصراری بر تصویب آن دارید؟! و چرا باید به تعهداتی تن بدهیم که به قول خودتان هیچ دستاوردی ندارد؟! (اظهارات صریح آقای ظریف در جلسه علنی ۱۵ مهرماه ۹۷ مجلس شورای اسلامی).

کیهان با واســـطه از یک مقام نزدیک به دولت شنیده است که رهبر معظم انقلاب از نویسندگان نامه پرسیده‌اند اگر لوایح مورد اشاره تصویب بشود آیا مشکلی را حل خواهد کرد؟ و آقایان پاسخ داده‌اند که هیچ مشکلی را حل نمی‌کند. اگر این نقل قول صحت داشته باشد که با توجه به اظهارات قبلی آقای ظریف، صحیح به نظر می‌رسد، انتظار منطقی و اخلاقی آن بود که آقایان به این پاسخ نیز اشاره می‌کردند. که نکرده‌اند! ضمن آنکه رهبر معظم انقلاب تصمیم درباره این امور را به مراجع قانونی آن -در اینجا مجمع تشخیص مصلحت نظام- سپرده‌اند.

حسین شریعتمداری

ارتش آمریکا:

ایران تنها پیروز حمله ما به عراق است

ارتش آمریکا در گزارشی به این نتیجه رسیده که ایران تنها پیروز حمله سال ۲۰۰۳ آمریکا به عراق بوده است.

به گزارش فـــارس، ارتش آمریکا در گزارشـــی به این نتیجه رســـیده که ایـــران تنها پیروز حملـــه آمریکا بـــه عراق در ســـال ۲۰۰۳ بود که به سرنگونی دیکتاتور معدوم این کشور، «صدام» منجر شد.

این یکـــی از یافته‌های تحقیقی است که توســـط «کالج جنگ ارتش آمریکا» انجام شـــده و نتایج آن روز ۱۷ ژانویه منتشر شده است.

در ایـــن گـــزارش آمده اســـت: «در زمان تکمیل این پروژه تحقیقی در ســـال ۲۰۱۸، ایرانـــی جســـور با اندیشـــه‌های توسعه‌طلبانه تنها پیروز به نظر می‌رسد.»

این گزارش، از عراق تا قبل از جنگ سال ۲۰۰۳ به عنوان «موازنه‌ساز سنتی در برابر ایران» یاد کرده‌اما تأکید کرده که این وضعیت اکنون تغییر کرده است.

ارتش آمریکا ادعا کرده است: «عراق، به عنوان موازنه‌سازی سنتی در منطقه در برابر ایران در بهترین حالت در چنین جایگاهی نیست و در بدترین حالت شـــاهد آن اســـت که عناصر کلیدی حکومتش به عنوان نائبان منافع ایران عمل می‌کنند.»

در بخـــش دیگری از این گزارش ۱۳۰۰ صفحه‌ای آمده اســـت: «جنگ عـــراق، قابلیت این را دارد که یکی از مهم‌ترین درگیری‌ها در تاریخ آمریکا شـــود. این جنگ، یک سنت سیاسی دیرینه در برابر جنگ‌های پیشگیرانه را از بیـــن برد. بلافاصلـــه بعد از این جنگ، پاندول سیاست آمریکا به قطب مخالف با تردیدهایی عمیق درخصوص مداخلات خارجی متمایل شد.»

نماز جمعه تهران

به امامت حجت‌الاسلام والمسلمین صدیقی اقامه می‌شود

نماز جمعه این هفته تهران به امامت حجت‌الاسلام و المسلمین کاظـــم صدیقی در مصـــلای امام خمینی(ره) اقامه خواهد شد.

به گزارش روابط عمومی ستاد نماز جمعه تهران، مراســـم نماز جمعه این هفته از ســـاعت ۱۰:۵۰ آغاز می‌شـــود و در ادامه با ســـخنرانی حجت‌الاسلام والمسلمین شـــهریاری، معاون رئیس قوه قضائیه و رئیس مرکز آمار و فناوری اطلاعات با موضوع «بررسی ظرفیت‌های فضای مجازی و تشـــریح سیاست‌های نظام» همراه خواهد بود. حجت‌الاسلام والمسلمین کاظم صدیقی نیز به ایراد خطبه‌ها خواهنـــد پرداخت. درب‌های مصلا از ساعت ۱۰ باز می‌شود.

کیهان و خوانندگان

۳۳۱۱۰۰۶۵ ساعت ۳ تا ۶ بعدازظهر
۳۳۹۱۶۵۴۶ تمام ساعات شبانه‌روز
سامانه پیام کوتاه ۳۰۰۰۲۳۲۳

* یک نفر به آقای رئیس‌جمهور بگوید به پیر و به پیغمبر قســـم مشـــکل ما مردم فیلترینگ نیست چرا ایشان مشکل گرانی اجناس و قیمت سرسام‌آور گوشت را احساس نمی‌کند؟ توقع نداشتیم این دولت شعور ملت را دست‌کم بگیرد و با افکار عمومی جامعه بازی بکند.

۰۹۱۳---۸۱۳۶

* دغدغه ملت این اســـت که قیمت گوشـــت به نزدیک کیلویی ۱۰۰ هزار تومان رســـیده ولی آقای رئیس‌جمهور فیلترینگ را مسئله اصلی کشور قرار داده‌اند تا مردم از خوردن گوشت بی‌نیاز شوند!

۰۹۱۲---۴۶۵۲

* چنـــد روز پیش گـــذارم به یکـــی از مناطق جنوب تهـــران افتاد. مغازه سوپرگوشـــت در حال توزیع گوشـــت منجمد برزیلی یا اســـترالیایی بود با صف طولانی ۲۰۰ نفره‌ای از مردم! واقعا صحنه قبیحی بود. به خودم گفتم خداوندا! آیا این حق مردم اســـت برای یکی دو کیلو گوشت بی‌کیفیت ۴۵ هزار تومانی ســـاعتها در صف منتظر باشـــند؟! آیا خود مسئولان هم از این گوشت‌ها استفاده می‌کنند؟!

۰۹۱۹---۷۸۹۹

* مشکل کشور گرانی و بی‌کاری است ولی آقای رئیس‌جمهور از فیلترینگ صحبت می‌کند و آدرس غلط می‌دهد. وقتی ســـیر از گرســـنه خبر نداشته باشد بهتر از این نمی‌شود.

۰۹۳۳---۱۹۳۳ و ۰۹۳۸---۱۸۳۶

* به رئیس دولت باید گفت مشـــکل اصلی کشـــور فیلترینگ نیست. ایشان پاســـخ بدهند چرا قیمت پراید به ۴۰ میلیون تومان رسیده است؟ این نعل وارونه‌زدن‌ها برای چیست؟

۰۹۰۲---۹۶۶۲

* آقای رئیس جمهور در فهم آیه شریفه لااکراه فی‌الدین دچار اشتباه نشوید این آیه درباره اصل پذیرفتن دین و اعتقادات دین است. کسی که اسلام را به عنوان دین پذیرفت باید تابع شـــرع مقدس باشد با مستمسک قراردادن این آیه نمی‌توان سرپیچی از دستورات دینی را توجیه کرد.

۰۹۱۱---۷۶۰۸

* جنـــاب رئیس‌جمهور! وقتی در فضای مجازی به طور دائم شـــبهه‌افکنی و گمراه کردن جوانان وجود دارد یعنی مثل ســـگ هاری اســـت که شما در بین جمعیت رها کنی و به مردم توصیه کنی که مراقب خود باشند! آیا این پسندیده است؟! واقعا متأسفم که اینگونه سخن می‌گویید! شما سوگند یاد کرده‌اید که حافظ آرمان‌های انقلاب اسلامی و پیاده‌کردن احکام اسلام باشید. آیا فضای غالب تلگرام به هدایت جوانان و نوباوگان معصوم ما مشغول است؟

شکیبا

* دولت برای انحراف افکار عمومی مردم که برای ســـیر کردن شکم خود و خانواده مشکل دارند به دنبال رفع فیلتر رسانه‌های معاند است!

وطن‌دوست- جانباز ۴۸ درصد

* آقای رئیس‌جمهور که مدعی هستند خداوند از پیامبر اکرم فقط ابلاغ پیام را مطالبه کرده پاسخ بدهند احکامی را که رسول گرامی اسلام پیاده کرده‌اند و حدودی را که اجرا کرده‌اند چه حکمی دارد و چگونه باید توجیه کرد؟

۰۹۱۷---۴۱۹۰

* از ما انسان‌های عادی جامعه هم پذیرفته نیست که شاهد به چاه ضلالت افتادن دیگران باشـــیم و کاری انجام ندهیـــم. چگونه آقای رئیس‌جمهور از خودشـــان اجتهاد کرده و گفته‌اند پیامبر اســـلام غیر از ابلاغ پیام، رسالت دیگری نداشته است؟

۰۹۱۲---۲۳۹۷

* این ادعا که رسول گرامی اسلام فقط وظیفه ابلاغ پیام را داشته و ماموریت جلوگیری از به هلاکت افتادن انسان‌ها برعهده او نیست آغاز انحرافی بزرگ اســـت. حضرت امام خمینی(ره) از این انحراف به اســـم اسلام آمریکایی یاد کردنـــد و در ســـال‌های پایانی عمر خویش مرتب خطـــر چنین انحرافی را متذکر می‌شدند.

۰۹۱۲---۲۷۷۰

* ای کاش رئیس‌جمهـــور که این همه بـــه فکر وقت مردم و مزاحمت‌های پیامکی هســـتند فکر جوانان بیکار و عدم توانایی ازدواج و گرانی‌ها و... هم بودند؟!

۰۹۱۲---۱۱۸۳

* اگر مســـئولان با کشوری که سابقه نقض عهد دارد مجددا پیمانی منعقد کنند مقصر ما هستیم که از گذشته عبرت نمی‌گیریم. به خدا قسم دولتمردان فعلی مشـــغول‌الذمه این همه خسارت وارده بر کشور هستند و باید حساب پس بدهند.

۰۹۳۵---۷۹۵۶

* در این کشـــور چه خبر اســـت که یکی از بدهکاران کلان بانکی با ۲۰۰ میلیارد بدهی متولی خصوصی‌ســـازی در کشور شده و از این طریق صاحب مجتمع گوشت اردبیل می‌شود.

۰۹۱۶---۲۸۰۵

* معاون وزیر جهاد کشـــاورزی در مصاحبه خود گفته مواد پروتئینی مورد نیاز مردم به طور کامل تامین شـــده و جای هیچ‌گونه نگرانی نیست. عرض می‌کنیم اگر چنین اســـت پس چرا باید قیمت مواد پروتئینی در این مدت دو برابر بشود و مردم به زحمت بیفتند؟

داوودی

* اگر آقـــای رئیس جمهور و دولتمردان امر در مقابل زورگویی‌های آمریکا به آیه «فاســـتقم کما امرت» قرآن عمل می‌کردند و ایســـتادگی را سرمشق مدیریت خود قرار می‌دادند مشـــکلات امروز به وجود نمی‌آمد و با کمترین هزینه از وضعیت کنونی عبور کرده بودیم.

۰۹۱۸---۴۰۷۰

* ۴۵ هزار تومان یارانه‌ای که دولت به مردم می‌دهد پول نیم‌کیلو گوشـــت قرمز نمی‌شـــود. جالب این اســـت که برای پرداخت این چندرغاز پول فیلم بازی می‌کردند و می‌گفتند دولت برای پرداخت یارانه مردم عزا می‌گیرد.

علیمردانی

* آمریکا از برجام خارج شد، دولتمردان مدعی شدند با اروپا ادامه خواهیم داد حتـــی قبلا هم گفته بودنـــد که اروپا بدون اجازه آمریـــکا نمی‌تواند به کوچک‌تریـــن تعهداتش در برجام عمل کند ولی بعد از بزک آمریکا به بزک اروپا سرگرم شدند.

۰۲۱---۶۱۷۲

* بـــه دولتمردانی مانند آقای عراقچـــی باید گفت در اینکه در مورد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا باید گفت شرم بر او باد شکی نیست اما در این بین به امثال ایشـــان که به شروط و نصایح خیراندیشانه رهبر معظم انقلاب گوش ندادند و برعکس به آمریکا اعتماد کردند چه باید بگوییم؟

۰۹۱۴---۳۰۸۷

* مردم ایران پس از انقلاب اســـلامی به این نتیجه رسیده بودند که آمریکا قابل اعتماد نیســـت اما چطور آقای عراقچی و ظریـــف تازه به این موضوع رسیده‌اند که آمریکا شریک قابل اعتمادی نمی‌تواند باشد! مگر رفتار خصمانه و آتش‌افروزانه آمریکا را در طی این ۴ دهه بارها لمس نکرده بودند که کشور را دچار این دردسر کردند؟

۰۹۱۳---۲۸۲۶

* چـــرا ضرری که دولت به مردم وارد آورده اســـت نباید در محافل قضایی و قانونی قابل رســـیدگی باشـــد. چرا مردم نمی‌توانند نسبت به عدم تحقق مطالباتشـــان، اعتراض کنند؟ چرا همان مردمی کـــه انتخاب کرده‌اند حق نداشته باشند خواستار محاکمه همان فرد شوند؟

۰۹۱۳---۷۶۴۹

* چند روز پیش یادواره شـــهدایی در اســـتان کرمان برگزار شد که سردار ســـلیمانی با یک خودروی ســـاده و بدون لایه‌های امنیتی در مراسم حاضر و در جمع مردم نشســـتند و همزمان شاهد حضور معاون اول رئیس‌جمهور بـــا چند لایه امنیتی و ۴۰-۳۰ خـــودروی ضدگلوله در همان کرمان بودیم! یعنـــی مردم به چشـــم خود تفاوت مدیریت جهادی و مدیریت اشـــرافی را دیدند و لمس کردند!

حسنی- کرمان

* دولت برای وارد کردن فشـــار حداکثری به مردم می‌خواهد از سال آینده بیمه‌نامه شخص ثالث را به نام اشخاص صادر کند و با این کار همه اعضای یک خانواده را مجبور به پرداخت حق بیمه نماید. شـــک نباید کرد که این نوع کارها برای به ستوه آوردن مردم صورت می‌گیرد.

۰۹۳۵---۲۱۳۱